سرمقاله

مسیر پیش پای اقتصاد هموار نیست!

عاطفه خسروی
مدیرمسئول

اظهارنظر کارشناسان درباره تاثیر انتخاب ترامپ بر اقتصاد، چه در ایران و چه در سایر کشورهای جهان، هر روز ابعاد جدی‌تری به خود می‌گیرد و البته همچنان با تناقض‌هایی مواجه است.

در بعد جهانی بسیاری معتقدند پیروزی دونالد ترامپ، نامزد جمهوری‌خواهان در انتخابات ریاست‌جمهوری امریکا می‌تواند به‌معنای وضع تعرفه‌های ۱۰ درصدی بر واردات کالاهای اروپایی مانند خودرو و مواد شیمیایی باشد؛ تعرفه‌هایی که به‌باور این گروه می‌تواند تولید ناخالص داخلی اتحادیه اروپا را تا ۱.۵ درصد یعنی حدود ۲۶۰ میلیارد یورو کاهش دهد. بسیاری دیگر نیز نگران روند کاهش نرخ بهره از سوی بانک مرکزی اروپا، تضعیف یورو و خطر رکود اقتصادی هستند. این احتمالات در کنار هزینه‌های دفاعی همزمان با جنگ اوکراین، نگرانی از افزایش فشار مالی به دولت‌های عضو اتحادیه اروپا را بیشتر می‌کند. همچنین تاثیر درازمدت جنگ تجاری بین قدرت‌های اصلی در دو سوی اقیانوس اطلس می‌تواند منجر به کاهش بیشتر نرخ بهره از سوی بانک مرکزی اروپا شود.

از سوی دیگر رابطه تجاری امریکا و چین در طول تاریخ از اهمیت بالایی برخوردار بوده و ترامپ بارها در مناظرات انتخاباتی خود از وضع تعرفه‌هایی تا ۶۰ درصدی بر کالاهای چینی تاکید کرد. اعمال این تعرفه‌های بالا می‌تواند صادرات چین به امریکا را به‌طور جدی تحت تاثیر قرار دهد و گسترش این اختلال چالش‌های اقتصادی را برای هر دو کشور افزایش خواهد داد.

این پیش‌بینی‌ها در صورتی مطرح می‌شود که دونالد ترامپ در نخستین روز اعلام نتایج انتخابات در جمع حامیان خود گفت: «این رای قدرتمند و بی‌سابقه آغازگر عصری طلایی برای ایالات متحده خواهد بود.» می‌دانیم که وعده‌های انتخاباتی دونالد ترامپ شامل تعرفه‌های سنگین، معافیت‌های مالیاتی، مقررات‌زدایی و تلاش برای خروج از توافق‌های جهانی مهم است. در این شرایط برخی از تحلیلگران معتقدند تعیین میزان تلاش ترامپ برای اجرای این اقدامات در دومین دوره ریاست‌جمهوری او دشوار است، اما نتایج هر کدام از آنها پیامدهای روشنی برای جهان خواهد داشت.

باتوجه به دو رویکرد احتمالی ترامپ در مواجهه با چین و اروپا، پیشامد فرصت‌ها و تهدیدهای جدید برای اقتصاد ایران نیز مشهود است.

چنانچه محمدرضا فرزین، رئیس کل بانک مرکزی با نگاهی واقع‌بینانه گفته است: اعمال محدودیت تجارت با امریکا و کمتر کردن حضور تجاری در بازارهای دنیا توسط ترامپ، اثرات زیادی بر اقتصاد اروپا و چین خواهد داشت که برای ما هم تهدید و هم فرصت است، اما این مهم است که کنش‌گری ایران در قبال سیاست‌ها چه باشد.

او با اشاره به کاهش وابستگی‌های اقتصاد ایران و توسعه روابط مالی غیردلاری با کشورهای منطقه و اعضای بریکس، گفت اقتصاد ایران، اقتصاد ۸ سال پیش نیست که انتخاب ترامپ اثر زیادی بر آن داشته باشد، به همین دلیل پس از انتخاب ترامپ شاهد بودیم نوسانات بازار ارز بسیار پایین و کمتر از یک درصد بود.

با همین استدلال برخی از کارشناسان و فعالان اقتصادی تاثیر حضور ترامپ در کاخ سفید بر اقتصاد ایران را به وسعت تاثیرگذاری دور نخست ریاست‌جمهوری او نمی‌دانند.

جمع بندی دیدگاه صاحبنظران حاکی از آن است که اقتصاد ما به مرحله‌ای رسیده که مثل سابق تحت تاثیر اتفاقات سیاسی قرار نمی‌گیرد و تنها نوسانات اندک و ناپایداری را تجربه خواهد کرد.

با این همه تجارت بین‌المللی یک اصل مهم توسعه است و بخواهیم یا نخواهیم در خلأ اتفاق نمی‌افتد؛ بنابراین توسعه همکاری‌های بین‌المللی و رفع محدودیت‌های مالی و تجاری با سایر کشورهای جهان، مستلزم رفع تحریم‌ها و لغو محدودیت‌های ناشی از تحریم است.

در نهایت اینکه سکانداری ترامپ در کاخ سفید پیامدهای مهمی برای اقتصاد جهانی خواهد داشت و بسیاری از تحلیلگران، این پیروزی را پتاسیل بالقوه‌ای برای شروع دور جدیدی از جنگ‌های تجاری می‌دانند.

بخواهیم یا نخواهیم اقتصاد ایران نیز متاثر از اقتصاد جهانی است و جدا از موضوع تحریم و محدودیت‌های ناشی از آن، باید تدابیری برای آثار احتمالی ناشی از جنگ‌های تجاری بین قدرت‌های جهانی نیز اندیشید.

آنچه مسلم است مسیر پیش پای اقتصاد ایران در بعد بین‌المللی هموار نخواهد بود و به‌نظر می‌رسد باید از هر راهی برای کاهش فشارها بر اقتصاد بهره برد.

ترامپیسم اقتصادی

دور دوم ریاست‌جمهوری ترامپ با امضای فرمان‌هایی که ترامپ در ایام مناظرات انتخاباتی به اجرای آنها وعده داده بود، آغاز شد. بر همین اساس همه پیش‌بینی‌ها برای سال ۲۰۲۵ میلادی بر نقش تعیین‌کننده سیاست‌های اقتصادی ترامپ بر روندهای اقتصادی و بازار جهانی تاکید دارند. هرچند بسیاری از تحلیلگران بین‌المللی خلاف تمام این پیش‌بینی‌ها معتقدند، جهان تک‌قطبی نیست و حتی شخصیتی به قدرتمندی ترامپ هم نمی‌تواند محور آن باشد. این گروه با استناد به آنچه در سال ۲۰۱۷ با روی کار آمدن ترامپ رخ داد، می‌گویند؛ در دور نخست ریاست‌جمهوری ترامپ نیز باتوجه به برنامه‌ها و سیاست‌های تعرفه‌ای، سرمایه‌گذاران انتظار یک شوک منفی را داشتند. با این حال، آن سال یکی از کم‌نوسان‌ترین دوره‌ها برای بازار سهام امریکا بود. ترامپ مدام تهدید می‌کرد که چین را با تعرفه‌ها تضعیف می‌کند، اما در نخستین دوره ریاست‌جمهوری او، بهترین عملکرد در بین بازارهای بزرگ جهان متعلق به چین بود که حتی از امریکا نیز پیشی گرفت. با این حساب، اگر گذشته نشانه‌ای از آینده باشد، «ترامپ ۲» احتمالا آن‌طور که امروز بیشتر سرمایه‌گذاران انتظار دارند، نخواهد بود. از سوی دیگر تاریخ نشان می‌دهد؛ اقتصاد جهانی و بازارها به‌صورت چرخه‌ای حرکت می‌کنند، نه در مسیرهای خطی و مستقیم،حتی سرمایه‌گذاری‌های بزرگ جهانی نیز اغلب ریشه در همین الگوها دارند. در مقابل گروهی دیگر بر این باورند که؛ تورم، نرخ‌های بهره و تعرفه‌ها نشان می‌دهند سال ۲۰۲۵، سال هیجان‌انگیزی برای اقتصاد جهانی خواهد بود. طبق پیش‌بینی صندوق بین‌المللی پول، رشد اقتصادی در این سال در سطح «ثابت اما نه‌چندان چشمگیر» ۳.۲ درصد باقی خواهد ماند. حال باید دید این وضعیت چه تاثیری بر اقتصاد سایر کشورهای جهان و به‌تبع آن، زندگی همه ما خواهد داشت.

در پرونده این شماره صمت با نگاهی به سیاست‌های اقتصادی دونالد ترامپ، به تاثیر این سیاست‌ها بر اقتصاد جهانی و اقتصاد ایران پرداخته‌ایم. با این شماره صمت همراه باشید.

زیر و بم سیاست اقتصادی دونالد ترامپ

ترامپ زمانی دوباره وارد صحنه شد که جهان به‌دلیل تحولات چند سال گذشته، به‌ویژه پیامدهای همه‌گیری کووید ۱۹، دستخوش تغییرات زیادی شده است. این همه‌گیری، زنجیره‌های تامین جهانی را دگرگون، رقابت‌های ژئوپلتیکی را تشدید و نهادهای چندجانبه را با چالش‌های پیچیده‌تری روبه‌رو کرد. از تنش‌های فزاینده میان ایالات‌متحده و چین گرفته تا نوسانات بازار انرژی و رشد ملی‌گرایی اقتصادی در سطح جهانی، همگی زمینه را برای دگرگونی در سیاست‌های تجاری امریکا فراهم کرده‌اند. او قصد دارد با احیای تولید داخلی، کاهش کسری‌های تجاری و کاهش وابستگی به دشمنان خارجی، جایگاه اقتصادی ایالات‌متحده را تقویت کند. این رویکرد با مذاکرات تجاری سختگیرانه، استفاده از تعرفه‌ها به‌عنوان اهرم فشار و بازنگری در اتحادیه‌های بین‌المللی که بنیان اقتصاد جهانی را شکل داده‌اند، همراه خواهد بود. اما دستیابی به این اهداف با چالش‌ها و تناقضات بسیاری روبه‌روست. در این گزارش به جزئیات سیاست‌های اقتصادی ترامپ پرداخته‌ایم.

گروه اقتصاد و توسعه
editor@smtnews.ir

گسست در سیاست‌های سنتی تجارت آزاد

وعده انتخاباتی دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور جدید ایالات‌متحده، برای اعمال تعرفه‌های جهانی بین ۱۰ تا ۲۰ درصد بر تمامی واردات، با امکان افزایش تا ۶۰ درصد بر کالاهای برخی کشورها مانند چین، نشان‌دهنده گسستی اساسی از سیاست‌های سنتی تجارب آزاد به‌سمت رویکردی حمایت‌گرایانه است. این استراتژی با هدف حفاظت از صنایع داخلی و کاهش وابستگی به محصولات خارجی طراحی شده است. تعرفه جهانی به‌معنای مالیات ثابتی است که بر تمامی کالاهای وارداتی، بدون توجه به مبدأ آنها، اعمال می‌شود. در این چارچوب، تعرفه ۱۰ تا ۲۰ درصدی به این معناست که تمامی محصولات وارداتی به ایالات‌متحده مشمول این هزینه اضافی خواهند شد. برای کشورهایی مانند چین، این تعرفه می‌تواند تا ۶۰ درصد افزایش یابد که به‌طورقابل‌توجهی، هزینه کالاهای صادراتی شرکت‌های چینی را در بازار امریکا بالا می‌برد. اهداف اصلی این سیاست شامل حفاظت از صنایع داخلی از طریق افزایش هزینه کالاهای وارداتی، تشویق مصرف‌کنندگان و کسب‌وکارها به خرید محصولات تولید داخل، کاهش کسری تجاری با کاهش حجم واردات و محدود کردن وابستگی به کالاهای خارجی، به‌ویژه از کشورهایی که در جایگاه رقیب یا تهدیدات استراتژیک تلقی می‌شوند، عنوان شده است.

▣ تراز تجاری و تقویت ارز

افزایش هزینه‌های واردات منجر به کاهش حجم واردات می‌شود که تا حدی اثرات تعرفه‌ها را کاهش می‌دهد. تقویت دلار امریکا ـ پیش‌بینی‌شده به میزان ۵.۴ ـ می‌تواند بخشی از تاثیرات تورمی را با کاهش نسبی هزینه واردات جبران کند، اما تقویت ارزش دلار باعث می‌شود صادرات ایالات‌متحده کمتر رقابتی شود و حجم صادرات کاهش یابد که در نهایت تراز تجاری را بدتر خواهد کرد.

▣ سرمایه‌گذاری و صادرات

کاهش عرضه نیروی کار و افزایش تورم به کاهش بهره‌وری و کاهش سرمایه‌گذاری منجر خواهد شد. سرمایه‌ها به‌دلیل جست‌وجو برای بازدهی بالاتر از ایالات‌متحده خارج می‌شوند؛ امری که موجب کاهش ارزش دلار و افزایش هزینه‌های واردات خواهد شد. این تغییرات ممکن است به‌طورموقت کسری تجاری را کاهش دهد، اما نمی‌تواند آسیب‌های کلان اقتصادی را جبران کند.

▣ تاثیر بر شرکای تجاری

کشورهای وابسته به بازار ایالات‌متحده مانند کانادا، مکزیک و چین با کاهش تولید ناخالص داخلی مواجه خواهند شد. برآوردها نشان می‌دهد چین ممکن است در سال ۲۰۲۵ کاهش ۰.۲۵ درصدی در تولید ناخالص داخلی خود را تجربه کند که نتیجه سیاست‌های تعرفه‌ای و سختگیری‌های پولی است.

▣ تعرفه‌های متقابل و اثرات منفی

اگر کشورهای شرکای تجاری ایالات‌متحده نیز تعرفه‌هایی مشابه بر کالاهای امریکایی اعمال کنند، این اقدام اثرات منفی را تشدید خواهد کرد. طبق پیش‌بینی‌ها، تولید ناخالص داخلی ایالات‌متحده ممکن است تا سال ۲۰۲۶ کاهش ۰.۹ درصدی را تجربه کند و تورم تا ۱.۳ درصد بالاتر از سطح پایه در سال ۲۰۲۵ برود. در مجموع وعده‌های تعرفه‌ای تغییر عمده‌ای به سمت حمایت‌گرایی جهانی را نشان می‌دهند.

هدف از این سیاست‌ها، تقویت صنایع داخلی و کاهش وابستگی به منابع خارجی است؛ بااین‌حال این سیاست‌ها می‌توانند پیامدهای اقتصادی گسترده‌ای داشته باشند، از جمله افزایش قیمت‌ها، اختلال در زنجیره‌های تامین و تشدید تنش‌های تجاری جهانی که نیاز به ارزیابی دقیق دارد.

> وضع تعرفه ۱۰ تا ۲۰ درصدی به این معناست که تمامی محصولات وارداتی به ایالات‌متحده مشمول این هزینه اضافی خواهند شد

تمرکز بر کاهش رشد اقتصادی چین

برآوردها نشان می‌دهند که اجرای سیاست‌های جدید تجاری امریکا می‌تواند تولید ناخالص داخلی (GDP) چین را تا سال ۲۰۲۶ به‌میزان ۰.۹ درصد کاهش دهد. کاهش تقاضای امریکا برای کالاهای چینی باعث افت ارزش واقعی یوآن (تا ۱۰) می‌شود که در ابتدا مزیت رقابتی کالاهای چینی در بازارهای دیگر را افزایش می‌دهد و تاحدی کاهش صادرات به امریکا را جبران می‌کند. این تعرفه‌ها موجب جابه‌جایی تولید از چین به کشورهای دیگر می‌شود تا صادرات به بازار امریکا از کشورهایی که تحت تعرفه‌ها نیستند، انجام شود؛ در نتیجه اشتغال در چین ابتدا کاهش می‌یابد، اما کاهش دستمزدهای واقعی به‌تدریج آن را به سطح پایه بازمی‌گرداند. در امریکا اشتغال تا سال ۲۰۲۷ به‌میزان ۰.۲۳ درصد پایین‌تر از سطح پایه خواهد بود. تورم نیز در سال ۲۰۲۵ حدود ۰.۴ درصد افزایش می‌یابد، زیرا هزینه‌های بالاتر واردات از چین به‌طور کامل با کاهش نرخ واردات از سایر کشورها جبران نمی‌شود. کاهش رشد اقتصادی چین باعث خروج سرمایه از این کشور و ورود آن به اقتصادهای دیگر می‌شود. این جریان سرمایه‌گذاری ابتدا به‌صورت مالی و سپس به‌صورت سرمایه‌گذاری فیزیکی انجام می‌شود و به تقویت ظرفیت تولید در کشورهایی مانند کانادا و مکزیک می‌انجامد. با کاهش کسری تجاری امریکا با چین، کسری تجاری کلی ایالات‌متحده به‌دلیل تقویت دلار افزایش می‌یابد. برخی برآوردها نشان می‌دهد، اقتصاد چین اکنون نسبت به احتمال زیاد اعمال تعرفه‌های ۶۰ درصدی آسیب‌پذیرتر از دوره اول ریاست‌جمهوری ترامپ است. یکی از عوامل این آسیب‌پذیری، بحران بازار املاک و مستغلات چین است. در سال ۲۰۱۸ این بازار حدود ۲۵درصد از فعالیت‌های اقتصادی چین را تشکیل می‌داد و به‌عنوان سپری در برابر شوک‌های خارجی عمل می‌کرد، اما از سال ۲۰۲۱ دچار رکودی شدید و باعث کاهش درآمدهای دولت‌های محلی شده است. عامل دیگر، تجمع بدهی‌های سنگین است. رکود در بازار املاک منجر به افزایش بدهی‌های غیرقابل‌تحمل برای دولت‌های محلی شده است. صندوق بین‌المللی پول برآورد می‌کند که مجموع بدهی‌های دولتی تا پایان سال ۲۰۲۳ به ۱۴۷ تریلیون یوآن (۲۰۰۷ تریلیون دلار) رسیده است. با احتساب بدهی‌های خانوارها و شرکت‌ها این مقدار به بیش از ۳۵۰ تریلیون یوآن می‌رسد که تقریبا سه‌برابر اندازه اقتصاد چین است. این عوامل نشان می‌دهند که اقتصاد چین اکنون نسبت به شوک‌های خارجی، آسیب‌پذیرتر شده است و ترکیب مشکلات در بخش املاک و بدهی‌های بالا، توانایی دولت چین را برای واکنش موثر به فشارهای اقتصادی محدود می‌کند.

> برآوردها نشان می‌دهند اجرای سیاست‌های جدید تجاری امریکا می‌تواند تولید ناخالص داخلی (GDP) چین را تا سال ۲۰۲۶ به‌میزان ۰.۹ درصد کاهش دهد

تاثیر اعمال تعرفه سنگین بر تجارت مکزیک

در جریان کارزار انتخاباتی، دونالد ترامپ برنامه‌ای برای اعمال تعرفه ۲۵ درصدی بر تمامی واردات از مکزیک مطرح کرد. هدف این برنامه، اعمال فشار بر دولت مکزیک برای کاهش مهاجرت غیرقانونی و قاچاق مواد مخدر به ایالات‌متحده است. ترامپ همچنین تهدید کرد؛ در صورت ناکارآمدی این تعرفه اولیه، میزان آن به‌تدریج افزایش یافته و حتی می‌تواند به ۱۰۰ نیز برسد. استراتژی ترامپ بر این اساس قرار دارد که با بهره‌گیری از ابزارهای اقتصادی، دولت مکزیک وادار شود اقدامات موثرتری برای کنترل مرزهای خود و مبارزه با مهاجرت و قاچاق مواد مخدر انجام دهد. از دیدگاه او اعمال تعرفه‌های سنگین می‌تواند به‌عنوان انگیزه‌ای برای مقامات مکزیکی در راستای بهبود امنیت مرزی و اجرای قوانین بیشتر عمل کند.

پیامدهای احتمالی این سیاست به‌طورگسترده‌ای موردتحلیل قرار گرفته است. از یک‌سو، مصرف‌کنندگان و صنایع امریکایی که به واردات کالا از مکزیک وابسته هستند، مانند خودروسازی و کشاورزی، ممکن است با افزایش هزینه‌ها و به‌تبع آن، افزایش قیمت‌ها برای مصرف‌کنندگان مواجه شوند. از سوی دیگر، این اقدام می‌تواند روابط تجاری میان ایالات‌متحده و مکزیک را دچار تنش کند و مکزیک نیز به تلافی، تعرفه‌هایی بر کالاهای امریکایی اعمال کند که به زیان صادرکنندگان امریکایی تمام شود.

سناریوهای پیش‌روی ایران

شواهد نشان می‌دهد ترامپ برنامه‌های بلندپروازانه‌ای برای تغییر موازنه قدرت اقتصادی و نظامی جهان دارد. این تغییرات، به‌ویژه در منطقه خاورمیانه، می‌تواند بر اقتصاد ایران تاثیرات مستقیم و غیرمستقیم داشته باشد.

▣ سناریوی اول: بازگشت سیاست «فشار حداکثری»

در این سناریو، ترامپ سیاست‌های قبلی خود را ادامه می‌دهد و تحریم‌های شدیدتری علیه ایران اعمال می‌کند.

برای مثال، او ممکن است از تحریم‌های ثانویه برای فشار بر کشورهای همسایه ایران استفاده کند تا همکاری اقتصادی با تهران را محدودتر کند.

این وضعیت می‌تواند منجر به کاهش بیشتر صادرات نفت ایران شود که به‌ویژه پس از کاهش تقاضای جهانی انرژی، فشار بیشتری بر اقتصاد نفت‌محور ایران وارد خواهد کرد. علاوه بر این، درآمدهای ارزی ایران نیز به‌دلیل کاهش توان صادراتی و محدودیت در دسترسی به بازارهای بین‌المللی، کاهش خواهد یافت.

در چنین شرایطی، کاهش دسترسی به بازارهای مالی جهانی نیز به‌احتمال زیاد تشدید خواهد شد که ممکن است باعث کاهش دسترسی دولت ایران به منابع مالی برای سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها و پروژه‌های توسعه‌ای شود که خود به افت شدیدتر رشد اقتصادی کشور منجر خواهد شد.

▣ سناریوی دوم: برجام ۲

یکی از احتمالات دوران جدید ریاست‌جمهوری ترامپ، می‌تواند توافقی تازه میان ایران و ایالات‌متحده باشد که می‌توان آن را «برجام ۲» نامید. این توافق ممکن است شامل تغییرات گسترده‌ای در سیاست‌های منطقه‌ای و برنامه‌های موشکی ایران باشد، در حالی که در ازای آن برخی تحریم‌ها برداشته شوند. شواهد تاریخی نشان می‌دهد که ترامپ تمایل دارد که توافقات را به‌عنوان ابزار نمایش قدرت خود معرفی کند؛ به‌عنوان‌مثال، توافق وی با کره‌شمالی برای تعلیق موقت برنامه‌های هسته‌ای، نمونه‌ای از این رویکرد است.

در این سناریو، انتظار می‌رود که ترامپ تلاش کند امتیازات بیشتری از ایران بگیرد، اما در عین حال، راهبردی طراحی کند که بتواند آن را به‌عنوان دستاورد بزرگ دیپلماتیک به طرفداران خود معرفی کند. با این حال، اجرای چنین توافقی، مستلزم اعتمادسازی و کاهش تنش‌های منطقه‌ای است که به‌نظر می‌رسد در فضای سیاسی فعلی، دور از دسترس باشد. در صورت وقوع این سناریو، ممکن است تحریم‌های خاصی برداشته شود و فضای اقتصادی تاحدی بهبود یابد.

▣ سناریوی سوم: تشدید تنش‌های منطقه‌ای

یکی از بدترین سناریوهایی که می‌توان در نظر گرفت، تشدید تنش‌های منطقه‌ای در دوران جدید ریاست‌جمهوری ترامپ است. ترامپ با حمایت گسترده از کشورهای مخالف ایران مانند عربستان‌سعودی و اسرائیل، ممکن است سیاست‌های تحریک‌آمیزتری را در منطقه اجرا کند. برای مثال، اقدامات نظامی احتمالی یا تقویت نیروهای امریکایی در منطقه می‌تواند به تنش‌های گسترده‌تری منجر شود که مستقیما بر امنیت و ثبات اقتصادی ایران تاثیر می‌گذارد.

این رویکرد می‌تواند فضای اقتصادی را برای ایران بسیار دشوارتر کند. افزایش نااطمینانی‌ها در منطقه به کاهش سرمایه‌گذاری خارجی در ایران منجر خواهد شد، زیرا سرمایه‌گذاران از ریسک‌های بالا در چنین شرایطی اجتناب می‌کنند. در داخل کشور نیز، نااطمینانی‌ها می‌تواند باعث تشدید خروج سرمایه و افزایش نرخ ارز شود که به تورم و کاهش قدرت خرید مردم دامن خواهد زد.

علاوه بر این، تقابل‌های منطقه‌ای می‌تواند بر تجارت ایران با کشورهای همسایه تاثیر منفی بگذارد. مسیرهای حمل‌ونقل و تجارت، به‌ویژه در خلیج‌فارس، ممکن است با خطرات امنیتی مواجه شوند و این موضوع هزینه‌های صادرات و واردات را افزایش خواهد داد. در مجموع، این سناریو، نمادی از انفعال سیاسی و اقتصادی است که می‌تواند به زیان قابل‌توجهی برای اقتصاد ایران منجر شود.

در این سناریو، ترامپ ممکن است با افزایش فشارها و حمایت از کشورهای مخالف ایران در منطقه، تنش‌ها را افزایش دهد. این وضعیت می‌تواند منجر به تشدید نااطمینانی در اقتصاد ایران، افزایش نرخ ارز و کاهش سرمایه‌گذاری خارجی شود.